

علیه ساختارهای استراتژیک و زیربنای راهبردی مثل، ارتش، راه ارتباطات و تکنولوژی را انجام خواهند داد.

متأسفانه آن چیزی که من در واشنگتن می‌شنوم و یا به من می‌گویند نگران‌کننده است بخش‌های فعال نه در حکومت آمریکا بلکه نیروهای فعال کنار حکومت حتی تاریخ حمله را اعلام می‌کنند و می‌گویند مثلاً ۱۸ ماه آینده این اتفاق (حمله نظامی آمریکا به ایران) خواهد افتاد این نیروهای فعال معتقد هستند اگر آمریکا این کار را نکند اسرائیل دست به حمله خواهد زد.

شاید این ایده به ذهن برخی خطوط کند که این نیروها و افراد بلوف می‌زنند اما در مجموع باید دولت ایران این حرف‌ها را جدی بگیرد آن چیزی که من پس از اقامت ۳۴ ساله‌ام در آمریکا آموخته‌ام این است که آمریکایی‌ها معمولاً بلوف نمی‌زنند و هر موقع هر کاری را که خواسته‌اند ولو با تاخیر اما انجام داده‌اند اصولاً سیستم سیاسی آمریکا بلوف نیست و حتی اگر موضوعی را با بلوف شروع کنند طبیعت سیاسی آمریکا طوری است که این بلوف خود به خود به واقعیت تبدیل می‌شود به همین دلیل من از حرف‌ها و زمزمه‌های رایج در اینجا نگران هستم و واقعیت این است که در واشنگتن تصمیمات خطرناکی علیه ایران گرفته می‌شود.

من اعتقاد دارم همزمان با تحریم‌های همه جانبه و حملات نظامی موضعی، آمریکایی‌ها نیروهای مخالف و برانداز حکومت که مجاهدین و وابستگان به سلطنت پیشین هستند را به عنوان نیروهای بی‌ثبات کننده حکومت به همراه بخشی از نیروهای تجزیه‌طلب و جدایی‌خواه قومی سازمان خواهند داد و اینها را به جان جمهوری اسلامی خواهند انداخت و از این راه برنامه‌های تخریبی خود را به نتیجه خواهند رساند

اما در خصوص مشکل دوم آمریکایی‌ها با ایران که مشکل رژیم یعنی مشکل طبیعت حکومت ایران است باید گفت که این مشکل را آمریکایی‌ها قادر نیستند به این سادگی در ایران حل کنند اگر بخواهند از راه زور این مشکل را حل کنند باید کاری را که با صدام حسین کردند با ایران نیز انجام دهند و این عملاً غیر ممکن است آمریکایی‌ها آرزو دارند که در صورت حمله به ایران یک جریان آشوب‌گر بصورت خودجوش علیه حکومت قیام کند و این جریان از درون موجب سقوط حکومت می‌شود

اما من با توجه به شناختی که از احساس

ناسیونالیستی ملت ایران و توجه آنها به اسلام دارم بعید می‌دانم چنین اتفاقی بیفتد و ملت ایران پشت سر آمریکا قرار بگیرد بنابراین محاسبه غلط از آب در خواهد آمد.

آمریکا علاوه بر توجه به جریان‌های خودجوش مردمی به نیروهایی از درون سپاه و ارتش هم گوشه چشمی دارد تا یک جریان کودتاراه بیندازد من اعتقاد دارم که اولاً آمریکایی‌ها موفق به برقراری این ارتباط با ارتش و سپاه نخواهند شد و دوم اینکه نیروهای ارتش و سپاه به دولت مرکزی بسیار وفادار هستند.

تجربه تاریخی این واقعیت را ثابت کرد که ارتش و سپاه ما مانند ارتش ترکیه و پاکستان جاه طلبی‌های کودتاگرانه را ندارند ارتش‌های این کشورها میان مردم محبوبیت ندارند بنابراین تفکر کودتا در ایران عمل نخواهد کرد و این منتفی است بنابراین آنها برای تغییر رژیم به فکر دیگری مثل استفاده از نیروهای برانداز و مخالف حکومت خواهند افتاد.

برخی تحلیل‌گران معتقدند آمریکا با ایران مثل عراق رفتار خواهد کرد یعنی اگر قرار بر برخورد نظامی باشد آمریکایی‌ها ابتدا پایتخت را خواهند گرفت آیا شما با این ایده موافق هستید؟

شواهد نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها برخی از مراحل عراقی شدن ایران را انجام می‌دهند باید

یادآوری کنم که جنگ آمریکا علیه عراق یک جنگ دو ماهه نبود بلکه یک جنگ ۱۲ ساله بود که از سال ۱۹۹۳ آغاز و تا سال ۲۰۰۳ طول کشید در این مدت آمریکا هر از چند گاهی و به هر بهانه‌ای تمام ساختارهای استراتژیک و غیراستراتژیک عراق را زد همچنین تحریم‌های همه جانبه از قبیل، حملات نظامی موضعی، استفاده از نیروهای برانداز برای بی‌ثبات کردن، ایجاد مناطق پرواز ممنوع برای هواپیماها علیه این کشور اعمال کرد و در این راه تا آنجا پیش رفت که عملاً کردستان عراق را مدت‌ها از مرکز این کشور جفا کرد و بعد از همه این‌ها و در شرایطی که صدام هیچ قدرت تهاجمی و تدافعی نداشت و شرایط حمله همه جانبه به عراق فراهم شده بود به این کشور حمله کرد و در کمتر از ۲ ماه عراق را تصرف کرد.

اما من اعتقاد دارم که این قسمت آخر را آمریکایی‌ها قادر نخواهند بود در ایران اجرا کنند به این دلایل که مساحت ایران چندین برابر مساحت عراق است و مسایل ایران با عراق متفاوت است، ملت ایران با عراقی‌ها فرق می‌کند اما نباید فراموش کرد که قدرت تخریب نظامی آمریکا بسیار بسیار بالاست و نیروهایی که این قدرت تخریب را در دست دارند نیروهای بسیار بی‌رحمی هستند به هیچ یک از قوانین و قراردادهای بین‌المللی جز بمب، توپ و موشک گوش نمی‌دهند من معتقدم که برخورد احتمالی





آمریکا با ایران اگر ۵ درصد هم احتمال داده شود باید آن را پیش از پیش و بی نهایت جدی گرفت نباید با سرنوشت کشور بازی کرد باید تمام جوانب را در نظر گرفت.

به نظر شما دولت ایران برای جلوگیری از وقوع چنین بحرانی چه تدابیری اندیشیده است؟

دولت اگر هوشیارانه عمل کند و بتواند مشارکت مردمی را بالا ببرد و از جریان‌ها و نیروهای کشور بویژه در انتخابات خوب استفاده کند آنوقت این نقشه‌ها عقیم خواهند ماند.

آمریکایی‌ها برای براندازی حکومت برنامه‌های مختلفی از قبیل جنگ، استفاده از نیروهای مخالف و برانداز، کودتا و حرکت‌های خودجوش مردمی در نظر گرفته‌اند اما به نظر من اگر حکومت ایران با هوشیاری عمل کند هیچ کدام از این‌ها عملی نخواهد شد.

بخشی از این هوشیاری به آوردن ملت به

صحنه در چهارچوب مشارکت مردمی بر می‌گردد.

اصلاحات از درون ایران آن چیزی بود که

آمریکایی‌ها خیلی انتظار داشتند انجام شود اما نشد

از دید آمریکایی‌ها شکست آقای خاتمی در

اصلاحات جریان را به ته خط رسانده است.

بنابراین دولت بوش دولت ایران را اصلاح

ناپذیر می‌داند و به فکر این نیست که از راه

اصلاحات به خواسته‌هایش برسد متأسفانه این

تفکر آمریکایی‌ها را به سوی سرنوشتی حکومت

ایران سوق می‌دهد. از این جهت من نگران

انتخابات ریاست جمهوری در ایران هستم که این

انتخابات پنهانی باشد. تا پیش از پیش این تفکر

یعنی اصلاح ناپذیری حکومت ایران به اتخاذ

تصمیمات خطرناک‌تر و عملی شدن این تصمیم‌ها

انجامد.

در اینجا باید به موضوع دیگری اشاره کنم در

آمریکا نیروهای برانداز حکومت چه ایرانی و چه

آمریکایی که از نزدیک با هم کار می‌کنند زمانی

قدرت می‌گیرند که مشارکت مردم در انتخابات کم

شود و انتخابات مشورعت خودش را از دست بدهد

در آن صورت من و طرفداران انتخابات آزاد و

اصلاحات در ایران، قدرت نفوذ خود را از دست

خواهیم داد و کار به جای خواهد رسید که در صحنه

سیاسی آمریکا عملاً ما کنار خواهیم رفت و این

نیروهای برانداز جای ما را می‌گیرند خوشبختانه

تا اینجای کار ما مانع از وقوع این اتفاق شده‌ایم

من نگران این موضوع هستم که هم شکست

مذاکرات هسته‌ای و هم برگزاری بد انتخابات به

افزایش قدرت دشمنان حکومت ایران در آمریکا و

منطقه منجر شود و این نتایجی بسیار زیانبار را

می‌تواند برای دولت و ملت ایران داشته باشد.

بازتاب انتخابات ایران در رسانه‌های

آمریکا چگونه بود؟

آمریکایی‌ها روی انتخاباتی که قرار است در

۲۷ خرداد در ایران برگزار شود هیچ حساسی باز

نکرده‌اند. این تفکر در آمریکا ریشه دوانیده که در

جمهوری اسلامی نمی‌توان انتخابات آزاد و مشروع

انجام داد و به همین دلیل مطبوعات رسانه‌های

آمریکایی کمترین توجه را به این انتخابات کرده‌اند

در واقع عدم توجه آمریکایی‌ها به انتخابات ایران

برایم بسیار عجیب است اینها معتقدند این

انتخابات دستاورد شگفت‌آوری را به وجود نخواهد

آورد، مشروعیت نخواهد داشت و دولتی که در

نتیجه این انتخابات تشکیل خواهد شد، دولت

مشروعی نخواهد بود در واقع آمریکایی‌ها با این

فرض با این انتخابات برخورد کرده‌اند. حالا بعد از

اعلام نامزدها آمریکایی‌ها و طرفداران براندازی

گروه‌های حامی اصلاحات در ایران را مورد تمسخر

قرار می‌دهند. ما در آمریکا تحت فشار هستیم.

در صورت تصاحب صندلی ریاست

جمهوری به وسیله هر یک از بین ۸ نامزد

آیا این احتمال وجود دارد دولت آینده با

آمریکایی‌ها آشتی کند و روابط تهران و

واشنگتن پس از نزدیک به سه دهه

عادی شود؟

این دولت اگر مشروعیتی مردمی نداشته باشد

و نیروی بزرگی از مردم پای صندوق‌های رای

حاضر نشوند دولت بسیار ضعیفی خواهد بود و

آمریکا حتی اگر بخواهد با این دولت مذاکره کند از

موضع بسیار بالا وارد چانه‌زنی خواهد شد نه تنها

هیچ امتیازی به ایران نخواهد داد بلکه هر امتیازی

را که بخواهد از ایران می‌گیرد.

ضمن این که من مطمئن نیستم که

آمریکایی‌ها در این شرایط وارد مذاکره با این دولت

بشود اگر مذاکره صورت بگیرد این مذاکره بسیار

نا برابر و به سود آمریکایی‌ها خواهد بود.

از طرف دیگر اگر دولتی تشکیل شد که

مشروعیت مردمی نداشته باشد اطمینان دارم که

تمامی مذاکرات پشت پرده پنهانی انجام خواهد

شد و شفافیت نخواهد داشت. بنابراین هیچ

مسئولیت‌پذیری در آن نخواهد داشت و اگر این

اتفاق بیفتد و دولت بعدی پنهانکاری کند و با

شفافیت با آمریکا مذاکره نکند. آن وقت خسارت

وارد به ایران چندین برابر بیشتر خواهد شد برای

این که اصولاً آمریکایی‌ها وقتی ایرانی‌ها را به

جریان‌های مخفی می‌برند بیشتر سرشان کلاه

می‌گذارند آنها در مقابل افکار عمومی ناتوان

هستند پس گفت‌وگوی پنهانی با آمریکا خطر

بسیار بزرگی است.

متأسفانه جمهوری اسلامی هر زمان با

آمریکایی‌ها وارد مذاکره شده پنهانکاری کرده است

و دلیلی هم که همیشه مادر این گفت‌وگوها متضرر

می‌شویم همین مخفی‌کاری است. به طور مثال

دولت ایران کمک‌های زیادی به آمریکا در افغانستان

کرد اما ما همیشه این کمک‌ها را انکار کردیم در مقابل آمریکایی‌ها کوچک‌ترین، حرکتی را که برای ایران انجام می‌دهند در بوق و کرنا می‌کنند و طلب کار هم می‌شوند.

بنابراین باید به این واقعیت تلخ اعتراف کنم که جمهوری اسلامی همیشه به طور مثال مجانی برای آمریکایی‌ها کار کرده و بعد حاشا هم می‌کند. به نظر من این عدم شفافیت و مخفی کاری اگر بخواهد در آینده تداوم داشته باشد ملت ایران متضرر خواهد شد.

من صادقانه اعتقاد دارم اگر دولت آینده با هر پشتوانه‌ای بخواهد وارد میدان گفت و گو با آمریکا شود باید این کار را به طور کامل و با شفافیت انجام دهد. این مهم باید در چارچوب یک استراتژی ملی و در بالاترین سطح حکومتی شکل بگیرد.

من باز تاکید می‌کنم گفت‌وگوهای مخفی با منافع ملی سازگاری نخواهد داشت.

آقای دکتر شما فرمودید که آمریکایی‌ها وارد مذاکره با ایران نخواهند شد اگر هم بشوند امتیاز می‌گیرند و هیچ امتیازی به ایران نمی‌دهند از سوی دیگر دولت بعدی هم اگر دولتی باشد که نتواند با رای بالای ۲۰ میلیون تشکیل شود و با رای مثلاً کمتر از ۷ میلیون سر کار بیاید در آن صورت بحران روابط ایران و آمریکا به کجا کشیده می‌شود برای برون رفت از این بحران چه پیشنهادی دارید؟

در آن صورت قضیه بسیار مشکل و پیچیده خواهد شد. بخشی در درون آمریکا مثل اسرائیل، نیروهای هوادار اسرائیل، جریان راست این کشور فعالیت دارند که می‌خواهند به این بحران قفل بزنند برای این که آنها هدفشان این نیست که ایران و آمریکا به هم نزدیک شوند و با هم آشتی کنند بر عکس آنها به این بحران دامن می‌زنند چون اینها برخورد نظامی می‌خواهند اسرائیل می‌خواهد قدرت ایران کاهش پیدا کند متأسفانه باید بگویم که خطر درست روی همین نقطه است از یک طرف این نیروها جریان ایران و آمریکا را به بن بست می‌کشند و از طرف دیگر از این بن بست برای تخریب ایران استفاده خواهند کرد.

نکته مهم این است که درهای روابط میان ایران و آمریکا قفل شده است و کلید آن دست نیرویی است که لزوماً این نیرو آمریکا نیست و به این سادگی نمی‌توان کلید را از آنها گرفت و این در را باز کرد. من تنها راه برون رفت از این مشکل را مشارکت بزرگ مردمی می‌دانم و هیچ راه دیگری

وجود ندارد. یک جریان بزرگ اجتماعی باید دوباره شکل بگیرد و ملت ایران باید دوباره به صحنه بیایند مردم کشور باید دولت را از خودشان بدانند و یک جریانی راه بیفتند که فرصت هر برنامه تهاجمی را از آمریکایی‌ها بگیرد.

اما رد صلاحیت‌های گسترده چه در مجلس هفتم و چه در انتخابات این دوره از ریاست جمهوری موجب زنجش بخش بزرگی از ملت شد کما این که شما نیز یکی از رد صلاحیت‌شدگان این دور از انتخابات ریاست جمهوری هستید با این وضعیت تصور کنید مشارکت مردم اندکی کم رنگ شود؟

از این مساله بسیار متأسف شدم هدف از شرکت در انتخابات و نامزد کردن خود نه رئیس جمهور شدن بلکه ایجاد شور و شوق و انگیزه میان ملت بود و اگر ما رد صلاحیت نمی‌شدیم یک نیروی بزرگ اجتماعی وارد میدان می‌شد و شور و خال ایجاد می‌شد و در مرحله نهایی هم آنهایی که باید انتخاب می‌شدند، انتخاب می‌شدند.

متأسفانه این فرصت را از ملت ایران گرفتند معتقدم باید جریان را به طور کامل تغییر داد و افراد واجد صلاحیت را وارد میدان کرد.

سیستم سیاسی و انتخاباتی ایران سیستم کاملاً متفاوت و منحصر به فردی است معمولاً در برخی کشورهای دموکراتیک و پیشرفته وقتی حزبی در انتخابات پیروز می‌شود اعضا و طرفداران آن حزب روی کار می‌آیند و اعضای حزب شکست خورده کنار می‌روند این وضعیت در کشورهایی که معمولاً با نظام‌های دو حزبی اداره می‌شوند بیشتر صدق می‌کند آمریکا نمونه بارز این وضعیت است در ایران نیز تقریباً همین وضعیت حاکم است زمانی که چپ‌ها قدرت می‌گیرند محافظه کارها و راستی‌ها تقریباً کنار می‌روند و بالعکس اما باید در نظر داشت که وضعیت ایران با آمریکا متفاوت است. آمریکا یک کشور ثروتمند، صنعتی و پیشرفته سیاسی است. در حالی که این شرایط در ایران حاکم نیست و ایران هنوز به آن توسعه یافتگی سیاسی نرسیده است.

من معتقدم این اندیشه و رویه باید در ایران شکسته شود چون هنوز بسیاری از نهادها و احزاب ما قانونمند نشده است من به مشارکت تمام گروه‌ها در حاکمیت اعتقاد دارم. شرایط و وضعیتی مثل کشور آلمان باید در ایران حاکم شود و در آلمان وقتی حزبی شکست خورد از صحنه سیاسی و تصمیم‌گیری این کشور

حذف نمی‌شود بلکه احزاب شکست خورده و کوچک هم به اندازه خود سهمی در حاکمیت پیدا می‌کنند. تمام حرف‌های من این است که نظام سیاسی ایران باید باز شود باید برای مشارکت تمامی احزاب و افراد واجد صلاحیت فراهم شود. در سایه این مشارکت عمومی و مردمی می‌تواند کشوری قدرتمند ساخت.

به بحث غنی سازی اورانیوم و معضل روابط ایران با اروپا اشاره کردید این مشکل ممکن است روابط ایران و اروپا در نهایت ایران با آمریکا را وارد مرحله خطرناکی کند آیا تصور می‌کنید ایران بتواند با اروپا به توافق‌های لازم برسد و مشکل حل و فصل شود؟

متأسفانه باید به این موضوع دردناک اشاره کنم که ایران بر روی حق مشروع و قانونی خودش با اروپا و آمریکا مذاکره می‌کند در واقع وضعیت به شکلی است که تهران با اروپایی‌ها چانه می‌زند که حق خودش را کمتر بگیرد غنی‌سازی حق مسلم ایران است و سر آن اصلاً نباید چانه زنی کرد.

جناب آقای دکتر امیر احمدی تمایل دارم اندکی شفاف حرف بزنید. اصلاً چرا باید چنین اتفاقی بیفتد و کار به این شکل پیچیده شود؟

علت این که این اتفاق افتاد این است که دولت ایران بخشی از این غنی‌سازی را پنهانی انجام داد و این به دلیل این بود که دولت ایران از آمریکا می‌ترسید که مانع از این کار بشود. بنابر این ترس از مزاحمت‌های آمریکا دولت ایران را مجبور به پنهان کاری کرد و این پنهان کاری که بعدها کشف شده موجب شد اعتماد بین المللی اروپا، آمریکا و کشورهای دیگر از ایران کاهش پیدا کند در واقع ما الان بحران بین المللی اعتماد داریم. بین المللی عبارتند از، اروپا، آمریکا و چند کشور دیگر. متأسفانه دنیای امروز دنیای تعداد نیست یعنی دنیای دنیای کیفیت است نه کمیت یعنی همین اندازه که آمریکایی‌ها با کشور من مخالفت کردند و اروپا هم با آنها همراه باشد کافی است و آن ۴ الی ۵ میلیارد نفر دیگر مهم نیست چه نظری دارند.

بنابر این مذاکرات فن آوری هسته‌ای یک نمونه از مذاکراتی خواهد بود که دولت بعدی با آمریکا خواهد داشت یعنی اگر دولت مشروعیت مردمی نداشته باشد، مشارکت در انتخابات اندک باشد و مشارکت مردمی در کار نباشد هر مذاکره‌ای با آمریکا جز این که حقوق ایران را تضعیف کند هیچ سودی برای ایران نخواهد داشت.